

۲۲ خرداد روز ملی همبستگی زنان

نوشین احمدی خراسانی

نامه ش ۵۰، خرداد ۸۵

چکیده: نوشین احمدی خراسانی که از حامیان فمینیسم در ایران است، در این مقاله به بیان نقاط قوت و ضعف تجمع زنان برابری خواه در خیابان انقلاب تهران، در ۲۲ خرداد ۸۵ پرداخته است. وی معتقد است این تجمع، پس از ربع قرن یعنی بعد از انقلاب اسلامی، مهم‌ترین حرکت برابری خواهانه بوده است که برای به دست آوردن استقلال زنان و مبارزه با قوانین جمهوری اسلامی که به زعم ایشان زن ستیز، ناعادلانه و مردسالارانه است، رخ داده است. وی اتحاد گروه‌های مختلف فمینیستی، حمایت پنج نفر از کسانی که جایزه صلح نوبل گرفته‌اند و نیز حمایت سایت‌های آزادی خواه خارجی و همچنین تجربه سیاست خیابانی به عنوان شیوه مبارزه برای اهداف فمینیستی را، از ویژگی‌های تجمع زنان در ۲۲ خرداد دانسته و آن را روز ملی همبستگی زنان پنداشته است.

خرداد ۱۳۸۴ برای همه ما که سال‌ها انتظار کشیده بودیم و با امید و شکیبایی خشت‌های آن را تک به تک روی هم چیده بودیم و آرزوی تحقق‌اش را در دل‌مان می‌پرورانیدیم، اتفاق بسیار مهمی بود؛ در این روز با تجمع هزاران زن در خیابان انقلاب، نطفه جنبش همبستگی «زنان» در مقابل سر در دانشگاه تهران بسته شد.

در آن مقطع زمانی، یعنی فرصت پیش از انتخابات ریاست جمهوری که همیشه فضا به دلایل انتخاباتی کمی بازتر می‌شود و همه نیروهای فعال اجتماعی سعی می‌کنند کاری انجام دهند، ما هم به نوبه خود فکر کردیم چه چیزی می‌تواند ما (گروه‌های مختلف و متنوع زنان) را به هم نزدیک کند. طبعاً نزدیکی و اتحاد بدون دست‌یابی به توافق، امکان‌پذیر نبود. در

بازتاب اندیشه ۷۵

۷۸

۲۲ خرداد
روز ملی
همبستگی زنان

نتیجه در آن فرصت کوتاه می‌بایست به توافقی جمعی برسیم؛ یعنی سعی کردیم سرفصل توافقی‌های «حداقلی و مشترک» مان را پیدا کنیم و برای انجام فعالیتی مشترک بر آن تکیه کنیم. در روند تدارک آن حرکت تاریخی، تجربه‌های بسیاری آموختیم. یکی از تجربه‌های گران بهای آن روز، این بود که زنان ثابت کردند که می‌توانند در استقلال کامل و به نحو احسن، اعتراض‌های خیابانی را نیز مدیریت و برنامه‌ریزی کنند.

انتخاب دشوار یک گزینه مستقل:

در آستانه روز تاریخی ۲۲ خرداد، بحث انتخابات ریاست جمهوری خیلی داغ بود. ما با چند گزینه روبه‌رو بودیم که طرفداران آنها هر کدام دلایل و توجیهات خاص خودشان را داشتند. برای نمونه تعدادی از دوستان موافق شرکت در انتخابات بودند و با برگزاری تجمع مستقل زنانه، مخالف بودند؛ آنها استدلال می‌کردند که می‌توانیم از جناحی حمایت کنیم که جناح دموکرات‌تر تلقی می‌شد. این گزینه هم به نظرم منطقی بود؛ چون هر چه فضای سیاسی بازتر شود، به یقین برای حرکت مستقل زنان وضعیت بهترین فراهم می‌آید. چون خیلی بعید است که وابسته‌تر شدن فضای سیاسی، تحولات کلان‌تری پیش روی مان گشوده شود. یک انتخاب دیگر این بود که از فضای بالنسبه بازتری که همیشه در بحبوحه انتخابات فراهم می‌شود استفاده کنیم و در آن میان، حرف مستقل خودمان را بزنیم. گزینه سوم هم این بود که اصلاً کل این فضا را نادیده بگیریم و همه چیز را به آینده، به یک حرکت نهایی و عظیم موکول کنیم که اصولاً هیچ‌گاه به نتیجه‌ای ملموس منجر نشده است.

فرصت‌شناسی زنانه:

در فضای خاص پیش از انتخابات واقعاً فرصتی پیش آمده بود که ما زنان می‌توانستیم پس از گذشت ربع قرن، کاری مستقل انجام دهیم. در ثانی اگر قرار بود بعدها هم از فضای نسبتاً باز «قصدها» برخی از جناح‌های حکومت (جناح اصلاح طلب) بهره بگیرم، چرا باید از همان بحبوحه انتخابات و فضای به دست آمده - به بهانه آینده - چشم‌پوشی می‌کردیم؟ یک کار دیگر هم این بود که مثل برخی گروه‌ها بنشینیم و منتظر باشیم تا ببینیم در این دعوای انتخاباتی چه کسی زمین می‌خورد و چه کسی بلند می‌شود و اصلاً منکر وجود «فرصت» باشیم و مثل همیشه فضاها را از دست بدهیم به امید یک فرصت به اصطلاح بزرگ و طلایی در آینده. ولی ما فرصت‌شناسی کردیم و از برکت همبستگی و مشورت‌های طولانی با یکدیگر، سرانجام گزینه‌ای را انتخاب کردیم که بتوانیم حرف مستقل خودمان را بزنیم.

تجربه‌ای ناب و تازه:

حرکت تاریخی ۲۲ خرداد توانست به بسیاری از زنان شرکت‌کننده، فارغ از علایق سیاسی و فکری‌شان، اعتماد به نفس، خودباوری، و تجربیاتی پیش‌تر و غنی‌تر بدهد. ما با همه بی‌تجربگی‌مان سرانجام موفق شدیم یک کار مشترک و سازمان‌یافته اجتماعی را در پرتو خرد جمعی و با همیاری یکدیگر تجربه کنیم. ارزیابی‌های بعدی نشان داد که برنامه‌ریزی‌مان خوب بود، در سازماندهی تجمع نیز موفق بودیم و با صبر و بردباری از خشونت‌های احتمالی جلوگیری کردیم. ما روی زمین نشستیم، کتک خوردیم اما نه مقابله کردیم، نه به خواست آنها پراکنده شدیم. در واقع ما مقاومت کردیم، نه مقابله! یعنی حرکت کاملاً مدنی و متمدنانه و بارویکرد غیرخشونت‌آمیز.

چالش‌های پرتب و تاب:

البته در روند تدارک آن حرکت، بی‌تردید با یکدیگر درگیری‌های تئوریک پیدا کردیم؛ چند نفری، حرکت مستقل‌مان را هم‌نواایی با بیگانگان قلمداد می‌کردند، بعضی دیگر استدلال می‌کردند که حرکت‌مان به نفع دولت و مشروعیت دادن به حاکمیت است، اتهاماتی هم مطرح شد که گویا ما از «بیرون» خط می‌گیریم! همه این چالش‌های تب‌آور و انرژی‌سوز وجود داشت و توان‌کاری بیشتری طلب می‌کرد. با همه این فشارها، اما کارها و وظایف محوله، با امید و همکاری دسته‌جمعی به خوبی پیش می‌رفت.

هر چه به «روز واقعه» نزدیک‌تر می‌شدیم، از یک سو اتحاد و همبستگی‌مان بیشتر می‌شد، برق شادمانی و امید به تأثیرگذاری بر حیات جمعی و زندگی عمومی و امید به تغییر در قوانین ناعادلانه و زن‌ستیز به وضوح در چشم‌ها، به خصوص در چشمان پرفروغ یاران جوان‌مان موج می‌زد؛ و از سویی دیگر، اختلاف‌های فکری و عقیدتی، حب و بغض‌های بی‌پایه و خط و خط‌کشی‌های صوری به طرزی ناباورانه رنگ می‌باخت.

باز هم کتک خوردیم:

گزینه سیاست خیابانی در ۲۲ خرداد، شروع مبارک و به جایی بوده است. البته در پارک دانشجو (برخلاف سال‌های پیش که عمدتاً در پارک لاله برگزار می‌شد)، توهین و ضرب و شتم نیروی انتظامی بسیار شدید بود، به طوری که این شدت خشونت، همه ما را غافلگیر کرد و باعث شد نتوانیم «موقعیت‌مان» را حفظ کنیم؛ یعنی به جای ماندگاری و تداوم نشستن بر روی زمین، وادار به «ترک موقعیت» شدیم. خوب این شاید یک اشتباه تاکتیکی از جانب ما بود

بازتاب انبیشه ۷۵

۸۰

۲۲ خرداد
روز ملی
همبستگی زنان

که نباید از روی زمین بلند می شدیم ولی در مقابل این هجمه، باز هم زنانه و مدنی عمل کردیم و برای نخستین بار، برخی از ماکه در آن تجمع شرکت کرده بودیم، به طور دسته جمعی - و با وکالت شیرین عبادی - از نیروی انتظامی به دادگاه شکات بردیم؛ چون معتقدیم که تلاش و مبارزه برای کسب حقوق برابر و عادلانه، به وسعت همه حوزه های زندگی اجتماعی و خصوصی مان است، گرچه همه دوستان و یاران جنبش زنان با این شیوه (شکایت کردن) موافق نبودند و برای این عدم موافقت، دلایل خودشان را داشتند.

می خواهیم «دیده» شویم:

از طرف دیگر وقتی برای تغییر قوانین حرکت می کنیم، صرفاً مخاطب ما حکومت ها نیستند؛ زیرا حکومت ها می آیند و می روند ولی آن چه پایدار و ماناست، جامعه و مردمان هستند؛ فرهنگ، باورها و ارزش های مردم است که در بود و نبود حکومت ها، سینه به سینه به نسل های بعد منتقل می شود، پس مخاطب جنبش جامعه مدنی، افزون بر دولت ها، مردم هم هستند؛ و خیابان، همان جایی است که هر دو در آن می توانند ما را ببینند، هم مردم و هم حکومت ها.

هدف: رسیدن به خودباوری!

قوانین موجود، تحقیرآمیز و مقوم ستم جنسی است؛ یعنی علاوه بر آن که در عینیت و بطن زندگی و روابط روزمره زنان تأثیری بسیار مخرب دارد. به طوری که حتی تغییر یکی از این قوانین (مثلاً الغای حق انحصاری مردان در طلاق) می تواند به فجایع بسیاری در جامعه خاتمه دهد. در عین حال عامل تحقیر زنان هم هست. حتی وجود تحقیرآمیز قوانین ناعادلانه بر زندگی کسانی مثل زنان طبقه متوسط مدرن که می تواند تا حدودی این قوانین را دور بزنند، نیز تأثیر می گذارد. بنابراین وقتی ما برای تغییر قوانین مبارزه می کنیم، بلکه با آن حسن تحقیر و با جایگاه فرودست مان (که بخشی از آن ناشی از وجود همین قوانین هست) نیز مبارزه می کنیم. بدین ترتیب، رشد آگاهی و خودباوری در میان زنان نسبت به اصلاح این قوانین، اولین هدف است، همچنین آموزش و تمرین و تجربه ای است برای همبستگی و کار جمعی و آگاهانه جهت رسیدن به خواسته ای معین. این محور مشترک و توافق حداقلی را مثلاً می توان با پرداختن به تغییر برخی قوانین به دست آورد و این توافق محوری، در روز ۲۲ خرداد با طرح مسأله نقد قوانین زن ستیز حاکم در قانون اساسی به وجود آمد.

کم حوصله و پر توقع نباشیم:

تجمع کم نظیر و اعتراضی ۲۲ خرداد جلوه دانشگاه تهران، لزوماً معطوف به تغییر ساخت قدرت در قانون اساسی نبود. قانون اساسی یک مملکت مردسالار، تنها با چند حرکت اعتراضی زنانه عوض نمی‌شود و اگر کسی چنین تصویری دارد یا جوان است و خام، یا دچار توهم است. برای ایجاد اصلاحات ساختاری، باید هزاران مسیر پیچ در پیچ را پیمود، هزاران سطح را باید آزمود، هزینه‌ها باید داد و عمر و جوانی صرف باید کرد تا خواسته‌ای از ذهن به عمل نزدیک شود؛ بسیار سفر باید، تا پخته شود «کار»! همه هم این را می‌فهمند، به خصوص زن‌ها که برای رسیدن به هر خواسته کوچکی در زندگی‌شان، چه قدر باید خون دل بخورند و صبور باشند؛ حالا اگر خواسته آنان بزرگ‌تر و در سطح کلان مملکتی باشد، پس باید صبر و مقاومت‌شان صد چندان شود؛ یعنی تصور نکنیم که با چند سال فعالیت مدنی و فرهنگی و به کارگیری سیاست خیابانی، همه مشکلات مان حل می‌شود.

باید «زنانه» رفتار می‌کردیم:

این حرکت‌ها دست آورده‌های دیگری هم در پی دارد. برای همین هم در حرکتی که انجام دادیم بحث بر سر این بود که آن پروسه را چه گونه طی کنیم. چه گونه رسیدن به هدف، برای ما مهم‌تر از خود هدف بود. زنانه بودنش نیز در همین نکته بود؛ یعنی مهم بود که این کارزار چه طور و چه گونه اتفاق می‌افتد. برای ما تبعات بعدی‌اش هم مهم بود، یعنی مهم بود که در بطن و متن آن پروسه، واقعاً زنان و مدنی عمل کنیم. در این صورت نحوه شرکت و ورود زنان به چنین کارزاری چه گونه باید باشد؟ پس از برگزاری اگر برای دوستان مان مشکلی پیش آمد چه گونه باید رفتار کنیم؟ مهم‌تر از این مسایل، این که حفاظت از جان و زندگی کسانی که در این همایش ماندگار شرکت می‌کردند برای همه ما یک اصل اساسی بود. در حقیقت ما زن و فمینیست هستیم؛ یعنی عمیقاً به این شعار فمینیستی معتقدیم که وظیفه «مراقبت و نگهداری» بخشی از زندگی ما محسوب می‌شود، پس مجاز نبودیم تندروی کنیم، مجاز نبودیم شیوه‌های پرخاش جویانه و غیرمدنی به کار گیریم، مجاز نبودیم شعارهای احساسی و تندروانه بدهیم؛ یعنی بیشتر آن چیزهایی که برای برخی از احزاب و سازمان‌ها و برخی دانشجویان، فرعی است، برای ما اصل بود.

مسایل زنان پیچیده است؛ چون مخاطبان اعتراض ما فقط دولت‌ها نیستند، بلکه شوهران مان هم هستند، برادرهامان همه هستند، پسرهایمان هم هستند. بنابراین بازی خیلی پیچیده می‌شود و به ناگزیر، با زندگی و هستی و عواطف ما عجین می‌شود؛ یعنی مبارزه ما زنان، همان راه دشوار زندگی ماست و از زندگی و عواطف مان جدا نیست.

«سیاست خیابانی»، شلوغ بازی است؟

عده‌ای با سیاست‌های خیابانی مخالفند و آن‌را جنجال، شلوغ بازی، خودنمایی و شورشگری می‌پندارند و می‌گویند باید کار فرهنگی کرد، به نظر من اعتراض خیابانی، دقیقاً کاری فرهنگی است. زیرا وقتی برای تغییر قوانین زن ستیز و کسب حقوق صنفی مبارزه می‌کنیم، آن هم باروش‌های مردمی و در سطح شهر، طبعاً این کار به تغییرات فرهنگی هم می‌انجامد؛ یعنی این دو از هم جدا نیستند. پرسش این است که وقتی برای تغییرات حقوقی تلاش می‌کنیم، مخاطب ما به جز خود زنان و دیگر شهروندان این جامعه، پس کیست؟ بنابراین می‌توانیم با چنین ابزاری یعنی تلاش برای تغییر قوانین (البته به شیوه‌های نو و مدنی)، برای تغییر فرهنگ هم اقدام کنیم.

«رهبری» این حرکت با چه گروهی بود؟

نکته مهم و جالب آن است که همایش ماندگار زنانه در روز تاریخی ۲۲ خرداد که از همبستگی و اتحاد تعداد زیادی از سازمان‌های مدنی و غیردولتی پدید آمد، متولی و رهبری شاخصی نداشت. یعنی این‌طور نبود که مثلاً یکی از سازمان‌های غیردولتی، داعیه رهبری آن‌را داشته باشد بلکه همه نهادها و سازمان‌های زنانه - باگرایش‌های فکری مختلف - در مدیریت و راهبری آن نقش داشتند. در واقع ۱۳۰ وبلاگ نویس رهبر آن بودند، زنان و مردان آزادی خواهی که طومارها را در پشتیبانی از این حرکت امضا کردند متولی آن بودند. زنان پیشرو، کرد و آذری، رهبر آن بودند، دانشجویان آزادی خواه و اساتید دانشگاه و پنج نفر از برندگان نوبل صلح هدایت‌گر آن بودند، سایت‌های مستقل و زنان و مردان عدالت‌جو در خارج از کشور که با تمام وجودشان حمایت‌مان کردند و تجمع‌هایی به پشتیبانی از این حرکت در شهرهای مختلف برگزار کردند، متولی آن بودند.

«روز» جدیدی در تاریخ جنبش زنان:

و اگر این روز (که در اکثر مقالات و گزارش‌هایی که توسط زنان در سایت‌ها و نشریات مختلف به چاپ رسیده، با عناوینی همچون روزی تاریخی، روز همبستگی زنان، روز به یادماندنی و تاریخی ساز، روز اتحاد زنان، روزی نو و ماندگار، و... از آن نام برده شده است) به عنوان مناسبی تاریخی، طی سال‌های آینده مورد حمایت و وسیع جنبش زنان قرار بگیرد، آن‌گاه در کنار دو مناسبت مهم دیگر؛ تولد حضرت فاطمه و ۸ مارس (روز جهانی زن)، در مجموع سه روز در طول سال به زن ایرانی اختصاص می‌یابد که هر سه مناسبت می‌تواند زمینه را برای طرح فراگیرتر مشکلات زنان فراهم آورد.

● اشاره

استقلال زنان یا تقابل با مردان؟!

متأسفانه خانم نوشین خراسانی در این مقاله با به‌کار بردن تعبیری از قبیل: «تجمع مستقل زنان»، «حرکت مستقل زنان»، «حرف مستقل خودمان»، «استقلال کامل و به‌نحو احسن»، «استقلال واقعی ما»، «جنبش زنان کار جدی و کاملاً مستقل می‌کند» و مانند آن با تأکید بسیار بر تفکیک جنسیتی و استقلال بخشی زنان در برابر مردان اصرار می‌ورزد. حال آن‌که این ایده و طرز تفکر هم با تعالیم دین اسلام بلکه با همه ادیان آسمانی مخالف است و هم با طبیعت و سرشت انسانی سازگار نیست و هم عقل سلیم آن‌را برنمی‌تابد. زیرا چنین سیاستی به تقابل دو جنس می‌انجامد. از طرفی دست تکوین و طبیعت خداوند متعال آن دو جنس را کاملاً وابسته به یکدیگر و مکمل هم آفریده است و قرآن کریم نیز در آیات بسیاری از جمله «خلق لکم من انفسکم ازواجاً» و «الرجال قوامون علی النساء» و «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» و مانند آنها بر لزوم همدلی و وابستگی دو جنس به یکدیگر تأکید کرده است. عدالت جویی، آزادی خواهی و استقلال‌طلبی در چارچوب معقول و مشروع، جنسیت بردار نیستند و نباید با چنین شعارهایی به تفکیک و تقابل دو جنس دامن زد.

اصلاح قوانین یا ابطال احکام اسلامی؟!

نویسنده محترم متأسفانه جسورانه قوانین جمهوری اسلامی را «زن ستیز»، «ناعدالانه» و «مردسالارانه» توصیف نموده و تصریح کرده است: «قوانین موجود، تحقیرآمیز و مقوم ستم جنسی است». لذا تغییر قوانین موجود مانند الغای حق انحصاری مردان در طلاق را از مهم‌ترین اهداف جنبش زنان از جمله تجمع ۲۲ خرداد دانسته و بر آن تأکید ورزیده است. ایشان در آن توصیفات و تأکیدات و در این جهت‌گیری اشتباه بزرگی مرتکب شده است و این‌که عدالت را به معنای برابری تفسیر نموده و به تبع آن هر قانونی که خلاف برابری باشد را ناعادلانه و زن ستیز معرفی کرده است. حال آن‌که هیچ‌کس تفاوت‌های متناسب را خلاف عدالت نمی‌پندارد.

هر کوچک و بزرگی که در فضای پس از انقلاب اسلامی تنفس کرده باشد می‌داند که عدالت خواهی، آزادی و استقلال‌طلبی از اساسی‌ترین ارکان انقلاب هستند؛ لکن تفاوت رهبران، قانون‌گذاران، فقیهان و مردم انقلابی ایران با جنبش‌هایی فمینیستی در این است که، آنها چنین مفاهیمی را در زیرپرچم اسلام و فقه اهل بیت علیهم‌السلام تعریف کرده و از آن دفاع می‌کنند، برخلاف جنبش‌های فمینیستی که مفاهیم و تعاریف خود را از نهضت فمینیسم و با پیش‌فرض برابری گرفته‌اند. و بر کسی پوشیده نیست که مبانی فمینیسم؛ او مانیسم، سکولاریسم، فردگرایی، نسبی‌گرایی و مانند اینها با مبانی اسلام که ریشه در حکمت الهی دارد، هیچ‌گونه همخوانی ندارد.

بازتاب اندیشه ۷۵

۸۴

۲۲ خرداد
روز ملی
همبستگی زنان

اگر چه قوانین جمهوری اسلامی بی‌نیاز از اصلاحات نیست، لکن تلاش قانونگذاران بر آن بوده است که قوانین، مطابق احکام شریعت اسلام باشد و موجودیت فقهای شورای نگهبان نیز به همین منظور می‌باشد. برای نمونه در همان مثالی را که وی مطرح کرده یعنی «حق انحصاری مردان در طلاق» ایشان مرتکب دو اشتباه شده است: اول آنکه طلاق را حق دانسته و حال آنکه حق قابل واگذاری است ولی مرد نمی‌تواند آن را به زن واگذار کند، پس طلاق یک حکم الاهی است و باید به دست مرد باشد و این حکم با شرایط خاص که دارد، از احکام قطعی اسلام است که قرآن و سنت بر آن تصریح کرده‌اند و همه فرق اسلامی نیز به آن معتقدند و لذا قانون جمهوری اسلامی نیز بر آن مبنا تنظیم شده است. بنابراین الغای چنین قانونی به معنای الغای حکم اسلامی و ناعادلانه خواندن آن به مفهوم ناعادلانه دانستن احکام اسلامی است. لذا ناصواب بودن چنین افکاری بر مسلمانان آگاه و آشنا با مذهب اهل بیت علیهم‌السلام روشن است. اشتباه دوم نویسنده این است که گمان کرده است رها شدن زن از قید ازدواج انجام شده در همان طلاق مصطلح انحصار دارد و حال آنکه خلع و مبارات نیز از دیگر اقسام طلاق است و زن نیز می‌تواند خود را از قید زوجیت رها کند. علاوه این‌که راه تغییر قوانین جمهوری اسلامی که مدعی اسلامی بودن آنها با تأکید بر فقه اهل بیت علیهم‌السلام است تجمع خیابانی، مظلوم‌نمایی و شلوغ‌بازی نیست، بلکه اگر کسی بتواند با استفاده از براهین عقلی و نقلی، اسلامی نبودن قانونی را ثابت کند، قطعاً نظام جمهوری اسلامی به تغییر آن اقدام خواهد کرد و نیازی به شعار خیابانی نخواهد داشت. و از آن طرف اگر کسی با آن‌که قانونی اسلامی است، بر تغییر و الغای آن اصرار ورزد، متدینان، مسلمانان آگاه و امت شهیدپرور برای حفظ هویت و احکام اسلامی بدون تردید تا آخرین نفس ایستادگی خواهند کرد.

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی